گزارش

دلایل کودتای درخشان وستهام

ته‌وز و ماسکرانو دوقلو نیستند

تیم ویکری

ویژگی بزرگ فوتبال آمریکای جنوبی این است که به خودی خود و درون کادرهای تشکیلاتی‌اش، پولساز و سودآور نیست. اما بی گمان سازنده شماری از بهترین بازیگران دنیا طی دهه‌های اخیر بوده است. اکثر باشگاه‌های آمریکای جنوبی و منجمله آرژانتین فاقد بنیه مالی کافی برای راضی کردن ستاره‌های خود و دادن پول مورد نظر آنها هستند و در نتیجه ناچارند دیر یا زود آنها را بفروشند. «MSI» که صاحب سهم مهمی در کورینتیانس است چندی پیش حق انتقال کارلوس ته‌وز و بهتر بگوییم خود وی را در ازای ۲۰ میلیون پوند خریداری کرد و از آنجا که این پول در سلسله روابط آمریکای جنوبی جواب نمی‌داد و برگشتی بر آن متصور نبود، مسئله فروش وی به یکی از متقاضیان اروپایی او مطرح و سپس اجرا شد. در آمریکای جنوبی فضایی وجود ندارد که بتوان ته‌وز را نگه داشت و ضرری را متحمل نشد اما در اروپا قضیه فرق می‌کند و انتقال او به وستهام جوابگوی خرجی بوده که جورابچیان و دستیارانش در «MSI» بر سر او صورت داده‌اند. این روزها یکی از بهترین و پرسودترین لیگ‌های دنیا، لیگ برتر انگلیس است و حتی وستهام که به خودی خود باشگاه ثروتمندی نیست، می‌تواند پولی را به MSI بدهد که خواست و هدف جورابچیان از این انتقال بوده است.

■ در حال حاضر صاحب این دو بازیکن کیست؟

با صراحت و دقت ۱۰۰ درصد نمی‌توان جواب این سئوال را داد. زیرا وستهام و MSI در ۴۸ ساعتی که از این انتقال می‌گذرد، بسیاری از جزئیات را نگفته‌اند. با این حال ظواهر امر گواهی می‌دهد که MSI هنوز صاحب این بازیکنان است و اگر در نهایت چیزی خلاف این روشن و اعلام شود، واقعاً جای تعجب خواهد داشت.

■ آنها تا چه زمانی در وستهام خواهند ماند؟

حقیقت آن است که این دو آرژانتینی تکنیکی به شدت مایل به حضور در جام قهرمانان باشگاه‌های اروپا هستند و اگر سریعاً با وستهام به این هدف نرسند، بسیار بعید است که حاضر به ابقای طولانی مدت در اپتون پارک باشند و در پیشانی این تیم و در افق پیش‌رو چندان نور امیدی در این ارتباط دیده نمی‌شود. صریح‌تر بگوییم دو حالت بر این قضیه متصور است. یا این دو با استعدادهای فوق‌العاده‌شان وستهام را صاحب یکی از ۴ رتبه اول لیگ برتر انگلیس و به تبع آن مجوز شرکت در دوره بعدی لیگ قهرمانان اروپا می‌کنند و یا سایر باشگاه‌های بزرگ‌تر و قوی‌تر لیگ برتر آنها را از چنگ وستهام خارج خواهند کرد که حالت دوم بسیار متصورتر است. حرف‌های دیروز یک سخنگو در باشگاه وستهام تاییدی بر رایزنی فوق است: «امکان ندارد که ما پل انتقال این دو بازیکن از آمریکای جنوبی به باشگاه‌های متمول اروپای غربی و منجمله انگلیس شده باشیم. در عین حال اگر پیشنهاد پرمرفه‌ای برای هر یک از نفرات ما منجمله این آرژانتینی‌ها برسد، بسیار بدیهی است که بدون در نظر گرفتن ملیت و ریشه او به آن رسیدگی کنیم و در صورت سودمند بودن، او را بفروشیم.»

بر این اساس آنچه بیشتر از سایر موارد محتمل است، یک فصل درخشش ته‌وز و ماسکرانو در وستهام و سپس انتقال‌شان به تیم‌های بزرگتر لیگ برتر انگلیس و شاید هم ایتالیا و اسپانیا است و طبعاً از این طریق پول درشت تازه‌ای نصیب MSI و وستهام خواهد شد. حتی از فردای همان روزی که ته‌وز به استخدام کورینتیانس درآمد، بلافاصله اخبار و شایعات در این خصوص که مقصد بعدی او کجاست، شروع شد و در نتیجه نباید جای تعجبی داشته باشد که پس از انتقال او به تیم کوچک‌تری مثل وستهام چنین شایعاتی با ابعاد بزرگتر و جنبه‌های وسیع‌تر از نو شنیده شوند.

■ ویژگی‌های فنی ته‌وز و ماسکرانو

کارلوس ته‌وز بازیکنی به سبک و روال وین رونی به لحاظ فنی ولی از او آرام‌تر و کم‌حاشیه‌تر است. او کوتاه قد، اما مبارزه‌جو و فنی و محکم است و با هر دو پا خوب بازی می‌کند و در عین حال باید بر قابلیت هر دو بیفزاید. وقتی او در کورینتیانس بود و اندک مدتی بعد از انتقال از بوکا جونیورز به برزیل با بازی‌های جانانه و روحیه تسلیم‌ناپذیرش قلوب هواداران این تیم برزیلی را تسخیر کرد. وی در صورت تکرار این روند در اپتون پارک هم بسیار محبوب خواهد شد. ماسکرانو هم در پست هافبک بازی‌ساز و فرد حامل توپ بازیکنی در اندازه‌های جهانی و مانند ته‌وز مبارزه‌جو است و سرعت عملش بیشتر از هموطنش است. بهره‌های حضور این دو در وستهام به اندازه‌های زیادی خواهد رسید زیرا این تیمی است که مجری یک بازی تهاجمی و رو به جلو است و به کسانی مانند این دو بسیار احتیاج دارد چرا که توان ایجاد گشایش‌های لازم را در قلب خطوط دفاعی حریفان دارند و می‌توانند برندگی و تیزی فوق‌العاده‌ای را به کارهای تهاجمی تیم‌شان ارزانی دارند.

منبع: **BBC**

اولین رویارویی دونگا و باسیله

لندن میزبان نبرد هشتاد و هشتم

ترجمه: بهرنگ داودی

شلوغی محوطه اطراف هتل محل اقامت ملی‌پوشان آرژانتین که با هیاهو و رفت‌و آمدهای پیاپی نوجوانان فوتبال‌دوست لندنی توام شده بود کمی غیرمنتظره به نظر می‌رسید. پایتخت انگلیس در گوشه‌ای دیگر میزبان کاکا، رونالدینیو، روبینیو و سایر اعضای تیم برزیل هم است اما ظاهراً جذابیت- و نه محبوبیت- برخی نفرات آرژانتین برای آنها بسیار بیشتر است. ریکلمه و مسی و البته کارلوس ته‌وز و خاویر ماسکرانو که از این به بعد در لیگ برتر توپ خواهند زد بسیار بیشتر مورد توجه بودند اما پاسخ آنها به چشم‌های کنجکاو اهالی لندن و نگاه‌های خسته ناشی از سفر طولانی از آرژانتین به انگلیس بود. اتوبوس برای انتقال بازیکنان به زمین تمرین قبل از رویارویی دوستانه و البته جذاب با برزیل جلوی هتل ایستاده است و برای خبرنگاران سوای بازیکنان دیدن تحرک و چهره مطمئن آلفیو باسیله جذابیت قابل توجهی داشت. «سن و سالم و البته تجربه سال‌ها حضور در نیمکت مربیگری حس عجیب و استرس و نگرانی‌ای که معمولاً مربیان برای اولین بازی خود با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، را از من دور می‌کند. با تمام وجود این چالش را پذیرفتم و قصد دارم دوران جدیدی از فوتبال را در آرژانتین رقم بزنم، و چه جالب این که اولین تجربه در بازگشت دوباره‌ام به تیم ملی بازی مقابل برزیل است.» تک‌تک جملات باسیله انگیزه و عطش فوق‌العاده او برای کار را نشان می‌دهد. باسیله هیچ‌وقت از مسئولیت‌های بزرگ فرار نکرده است و قصد دارد به هر شکل ناکامی پکرمن را جبران کند. البته او در خصوص پرونده همکارش در جام جهانی ترجیح می‌دهد از لفظ بدشانس استفاده کند. «پکرمن تیم را به سطح بسیار قابل قبولی رسانده بود. برای او متاسفم. لیاقت رسیدن به فینال و حتی کسب عنوان قهرمانی را داشتیم اما در فوتبال از این لحظات بسیار تلخ اتفاق می‌افتد. بدون بازگشت به گذشته ناچار هستیم افق‌های آینده را ببینیم.»

■ فوتبال در مقام زندگی

بوئنوس‌آیرس لحظاتی پس از ضیافت پنالتی‌ها و شکست مقابل آلمان به شهر ارواح تبدیل شد. پایتخت شلوغ آرژانتین که با نمایش‌های قبلی شاگردان خوزه پکرمن رفته رفته خود را برای یک جشن بزرگ آماده می‌کرد بار دیگر به روزهای عادی خود برگشت. تنها پادزهر مناسب برای زندگی و همه دغدغه‌های مردم آرژانتین، فوتبال است. فوتبالی که گاهی همطراز زندگی قرار می‌گیرد. پکرمن که پروژه بزرگش در این تیم ناتمام ماند کوچک‌ترین انگیزه‌ای برای ادامه کار نداشت تا پس از چند هفته کش و قوس بین فدراسیون فوتبال و بوکا جونیورز آلفیو باسیله که بین سال‌های ۹۱ تا ۹۴ این پست را در اختیار داشت بار دیگر کارش را به عنوان مربی شروع کند. البته زمان رسمی شروع کار او ۱۵ سپتامبر است اما باسیله برابر برزیل اولین بازی خود همراه آرژانتین را پس از بازگشت به این تیم سپری خواهد کرد. باسیله که از لایه‌های اجتماعی آرژانتین پله پله خود را بالا کشید احساس مردم کشورش را نسبت به این تیم کاملاً درک می‌کند. «در آرژانتین مشکلات مالی و اقتصادی فراوانی وجود دارد و فوتبال ابزاری بسیار قوی برای فراموشی مقطعی این مشکلات است. در جام جهانی این نکته کاملاً ملموس بود که نود دقیقه بازی‌های آرژانتین مقابل حریفان تنها نقطه جداکننده مردم از مشکلاتشان بود. شهرها به حالت نیمه‌تعطیل درمی‌آمد و همه با اشتیاق فراوانی بازی‌ها را دنبال می‌کردند؛ در مدارس، رستوران‌ها و میدان‌های بزرگ. تعداد زیادی هم با صرف هزینه‌های زیاد راهی آلمان شدند تا تیم را از نزدیک همراهی کنند و پس از آن یک سرخوردگی شدید... این احساس را داشتم که پکرمن نمی‌تواند بیش از این به راهش ادامه دهد. او از ابتدای حضورش تنها روی جام جهانی تمرکز کرد و طبیعی است پس از ناکامی در این رقابت‌ها نتواند ادامه دهد. وقتی مسئولان فدراسیون تماس گرفتند در یک انتخاب بسیار دشوار قرار گرفتم. از یک طرف دوست داشتم بار دیگر هدایت تیم ملی را به عهده بگیرم و از سوی دیگر شرایط دشوار بود. انتظارات همیشه از این تیم بالا است و با یک فلسفه که شاید اکنون کهنه به نظر برسد. یعنی مجبور هستیم هم نتیجه بگیریم و هم زیبا بازی کنیم. نمی‌توانستم این فرصت بزرگ را از دست بدهم و قبول کردم. اکنون هواداران فوتبال خود را برای یک دوران گذار آماده می‌کنند. همیشه استعدادها و بازیکنان بزرگی را در اختیار داشتیم و تنها نکته متفاوت این است که با چه تفکری این تیم را هدایت کنیم. برنامه‌های زیادی را در سر دارم که باید آنها را یکی یکی اجرا کنم. فاصله حرف تا عمل بسیار زیاد است و نهایت تلاشم این است که این برنامه‌ها بیشتر عملی باشند.»

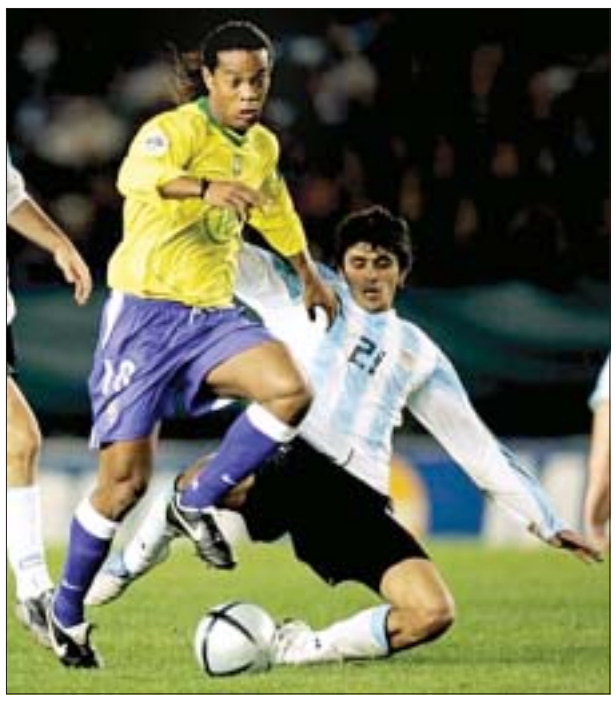

■ بیگانه با احتیاط

۱۵ فوریه ۱۹۹۱ باسیله در برابر مجارستان برای اولین بار هدایت آرژانتین را به عهده گرفت. فابیان باسوالدو یکی از اعضای کلیدی آن تیم که سال‌ها کنار باسیله برای آرژانتین بازی کرد این انتخاب را بسیار درست و منطقی می‌داند. آلفیو در انتخاب بازیکنانش هیچ‌وقت اشتباه نمی‌کند به همین دلیل به‌ندرت اتفاق می‌افتد که کسی از این بابت او را سرزنش کند. کار کردن با باسیله واقعاً به بازیکنان انگیزه می‌دهد چون عقایدش را خیلی راحت و بدون دروغ مطرح می‌کند. در تیم او همه این فرصت را خواهند داشت تا به ستاره تیم تبدیل شوند و همین موضوع باعث می‌شود تمرینات تیمی که او هدایتش را برعهده دارد با بهترین کیفیت انجام شود. «باسیله با احتیاط و محافظه‌کاری کاملاً بیگانه است. تاکتیک‌هایش این موضوع را کاملاً اثبات می‌کند. به احتمال فراوان آرژانتین بازی یکشنبه را با سیستم ۲-۱-۳-۴ شروع می‌کند که وجود یک هافبک هجومی خلاق و تکنیکی پشت سر دو مهاجم همیشه ایده‌آل‌ترین فرم باسیله بوده است. او این انتخاب را طبیعت فوتبال کشورش می‌داند. «فوتبال امروز بسیار پیچیده‌تر از قبل شده است اما بیرون آوردن فوتبال آرژانتین از قالب قدیمی آن بسیار دشوار است و شاید اصلاً احتیاجی به آن نباشد. در کشوری که هرساله ستارگان بزرگی را به اروپا صادر می‌کند بهترین شیوه که بسیار هم مقبول است پرهیز از محافظه‌کاری است. هیچ‌کس بازی‌ای را که بیشتر حالت تدافعی و شطرنج‌گونه دارد حداقل در آرژانتین نمی‌پسندد. با در اختیار داشتن این همه ستاره بزرگ که فوتبال تهاجمی در ذات آنها است روی آوردن به سیستم‌های هجومی طبیعی است.»

■ جذابیت نبرد با برزیل

آرژانتین و برزیل هشتاد و هشتمین مصاف رودرروی خود را این‌بار بسیار دورتر از آمریکای جنوبی و در ورزشگاه «امارات» که تمام بلیت‌های آن هم به فروش رسیده است برگزار می‌کنند. هر دو تیم تا قبل از این صاحب ۳۳ پیروزی شده‌اند و باسیله تلاش خواهد کرد در اولین گام تیمش را مقابل شاگردان «دونگا»ی جوان سربلند از میدان خارج کند. باسیله قبل از پرواز به‌سمت اروپا در فرودگاه بوئنوس‌آیرس در اظهار نظری جالب توجه عنوان کرد کسب پیروزی چهار بر صفر مقابل رقیب دیرینه بهترین نتیجه برای شروع است! «دوست دارم برزیل در گلزنی ناکام باشد و ما هم چهار گل بزنیم. بازی برابر این تیم همیشه یک مناسبت ویژه بوده است. شخصاً در دوران حرفه‌ای مربیگری بازی‌های بسیار زیادی را تجربه کردم اما برزیل برای آرژانتین یک حریف استثنایی است. رقابت در آمریکای جنوبی همیشه بین این دو تیم بوده است و از این که بازگشتم به این سمت با بازی برابر برزیل توام شد بسیار خوشحالم. البته تمرین زیادی برای انجام این بازی نداشتیم اما شرایط اکثر بازیکنان مطلوب است و خوشبین هستم. همین بازی دوستانه می‌تواند حاوی نکات مثبت فراوانی باشد. باید رفته‌رفته وارد فاز جدیدی شویم. دوران پس از جام جهانی. فعلاً قصد دارم به بازیکنانی که در لیگ آرژانتین درخشش داشته‌اند میدان بدهم و سایر بازیکنانی که قبل از این فرصت نداشتند توانایی خود را نشان دهند. بدون اینکه وقت را از دست بدهیم با آرامش پیش خواهیم رفت. یکی از نکات مهم برابر برزیل این است که تیم را به تاکتیک‌های جدیدم عادت بدهم. دوست دارم بازیکنان دستورات را به دقت در زمین پیاده کنند، هرچند القای تفکرات جدید به زمان احتیاج دارد.» و سئوالی که باسیله دوست ندارد بار دیگر ناچار به پاسخ دادن به آن شود، جثه ریز و کوتاهی قد اکثر مهاجمان انتخابی او- ته‌وز، مسی، ساویولا و سرجیو آگوئرو- دردسرساز نمی‌شود؟ «قد آنها چندان مهم نیست. همگی خوب بازی می‌کنند و اصلاً بازیکنان قدکوتاه را دوست دارم!» در آرژانتین همه در انتظار تیم جدید باسیله هستند.

منبع: **Daily Telegraph**

زنجیره اعترافات مرد یاغی:

از کویین و فرگی معذرت می‌خواهم

سام والس

ترجمه: سهیل نوری‌پناه

برای مردی با چنین آوازه و شهرت حیرت‌انگیزی، آخرین یاغی و سرکش فوتبال انگلستان و البته ایرلند، یعنی روی کین، دنیای جدید مربیگری در ساندرلند، با یک عبارت نادر از زبان او آغاز شد: «مرا ببخش!»

او که رئیس جدیدش در ساندرلند، نیال کویین را پس از فاجعه این کشور در جام جهانی ۲۰۰۲ با صفاتی چون «بزدل» و «بی‌مصرف» توصیف کرده بود، از چنین برهه‌ای، اختلاف آنان رنگ و بویی دیگر به‌خود یافت، و به تعریف و تمجید از او پرداخت. و حال داستان سرالکس فرگوسن... در نوامبر گذشته، که داستان اختلاف او و پایان دادن به دوران ۱۲ ساله‌اش در «تئاتر رویاها» بدل به سوژه‌ای جذاب برای رسانه‌ها شد، و از آن زمان او هیچ گفت‌وگویی با مطبوعات در مورد آن ماجرا نداشت، اعتراف کرد که مقصر اصلی آن اختلاف، تنها «خود» او بود و فرگوسن حتی کمترین تقصیری در این ماجرا نداشت. اما آخرین نفر، یعنی میک مک کارتی، آخرین کسی که روی کین او را در لیست سیاهش می‌بیند، باید در انتظار روزی باشد تا روی کین از او نیز عذرخواهی کند. اما، گذشته از اینها، روی کین، دمدمی مزاج‌ترین فوتبالیستی که دهه‌های اخیر بریتانیا به خود دیده، در این مصاحبه، چهره جدیدی از خود ارائه داد. از اهداف و چشم‌اندازهای جدیدش سخن گفت و از چگونگی حضور در ورزشگاه لایت! وقتی رابطه‌اش با نیال کویین را به‌عنوان اولین موضوع بحث عنوان کردم، واکنش و پاسخش آشکار و واضح بود. به صندلی‌اش یلی داد و گفت: «توجه کن! من در زندگی‌ام از انسان‌های زیادی معذرت خواهی کرده‌ام. و تا پایان آن نیز این کار را انجام می‌دهم. وقتی که برای نخستین بار از آن برهه یکدیگر را ملاقات کردیم در خصوص این موضوع مباحثه‌ای داشتیم. ممکن است برایت جالب باشد که از من سئوال کنی: «آیا از او معذرت خواستی؟» من نیز در جوابت خواهم گفت: «بله. قطعاً. چرا که نه؟!» ولی نکته‌ای باید روشن شود. آن این است که من برای گرفتن چنین موقعیتی دست به دامان معذرت خواهی و مقصر دانستن خود نسبت به رویدادهای گذشته نشدم!» به بحث اختلاف او با سرالکس فرگوسن رسیدیم. از او پرسیدم که آیا از او نیز معذرت خواستی؟ و در جواب گفت: «بله! از فرگی نیز بابت اتفاقات یک سال اخیر عذرخواهی کردم. تازه... می‌خواهم تا چند روز آینده دوباره ملاقاتی با او داشته باشم و در خصوص ربودن چند بازیکن آنها به‌عنوان یار قرضی با او مذاکره کنم.»

■■■

اما سئوال حیاتی و کلیدی اینجا است: «چگونه مردی که در زمان بازیگری، یکی از برترین‌های دنیا بود، می‌خواهد کشتی شکسته‌ای چون ساندرلند، خفته در رتبه بیست‌وسوم جدول را از چنین آشوب و مصیبتی خلاص کند؟» اما جواب کین، قاطع و امیدبخش است: «باور کن که اگر حتی کمترین حسی داشتم بابت اینکه نمی‌توانم برای گذر دادن این تیم از بحران کاری بکنم، هرگز این وظیفه را نمی‌پذیرفتم. تنها چیزی که از بازیکنانم می‌خواهم این است که در هر مسابقه ۱۰۰ درصد قابلیت‌های خود را بروز دهند. من از آن دست کسانی نیستم که به‌خاطر یک نمایش بد و نومیدکننده بازیکنی را ملامت کنم. اما نمی‌توانید از من توقع داشته باشید که در خصوص کم‌کاری و جدی نبودن بازیکنان نسبت به وظیفه‌ای که محول آنها است بی‌تفاوت بنشینم. اینجا چندین‌بار به بازیکنان این نکته را هشدار داده‌ام که اگر تمام توانایی‌هایتان را بروز دهید مشکلی پیش نخواهد آمد. اما اگر سر به هوا بازی کنید و در طول مسابقه حواس و تمرکزتان به بازی نباشد، در انتظار سخت‌ترین برخوردها از من باشید. نظرم را صادقانه ابراز کردم. فکر می‌کنم درکش برای همه آسان باشد.» می‌دانم، خیلی دشوار است. اداره کردن «روی کین» در یک مسابقه بسیار سخت است. بازیکنان گوناگون با تلقی‌ها و ایده‌های متفاوت که هر کدام شیوه و روش خاصی برای نزدیک شدن به آنها می‌طلبد. یک مربی باید در قضاوت کردن خواسته‌های بازیکنانش متبحر باشد. بداند که نیاز فوتبالیست‌هایش چیست. شخصیت و کردار آنها با دیگری متفاوت است. من عقیده دارم، گاهی باید به آنها لگدی بزنی تا به‌خود بیایند و در عوض در بسیاری از برهه‌ها نیز واجب است دستشان را بفشاری و کنار آنان قرار بگیری و با آنان صمیمی درد دل کنی. حتی بهتر است نمایش اخیر آنها را نیز تحسین کنی. من در برهه‌ای که فوتبالیست بودم، بارها با چنین صحنه‌هایی روبه‌رو شدم. شخصاً این کارها را انجام می‌دادم. هرچند چندان کسی از این داستان خبر ندارد. اگر کسی در یک مسابقه، نمایش درخور تحسینی از خویش ارائه دهد، ایمان داشته باشید که این من خواهم بود که به‌عنوان اولین نفر به استقبال آنان خواهم شتافت و از نمایش آنها تشکر و قدردانی خواهم کرد. چنین وظیفه‌ای را هنگامی که کاپیتان من یونایتد بودم نیز انجام می‌دادم.»

■■■

«کینو» در خصوص موقعیت جدیدش می‌گوید: «باید با چالش‌های جدید مبارزه کنید. با آنها کنار بیایید. به خود می‌گفتم که اگر چنین شرایط جدیدی را نپذیرم، ممکن است که دیگر هیچ‌گاه چنین موقعیتی به سراغم نیاید. شغل‌های مختلفی در حیطه فوتبال چون حضور در شبکه‌های تلویزیون برای کارشناسی مسابقه‌های فوتبال به من پیشنهاد شد. اما چنین کارهایی مرا ارضا نمی‌کند. چندان میل و رغبتی نشان ندادم. اما مربیگری چرا... وقتی که آنها به سراغ من آمدند تا در خصوص پیشنهادشان با من مذاکره کنند من در پرتغال در اطراف استخر رویایی که در ویلای زیبایم قرار دارد لم داده بودم. واکنش من در برابر چنین پیشنهادی این بود. ۱۰ ثانیه اندیشیدم و با خود نجوا کردم: «هی... احمق! منتظر چه چیزی هستی؟ چیز دیگری از این بهتر می‌خواهی؟ باشگاه به این بزرگی، تماشاگرانی پرشور و قوام‌یافته، ورزشگاهی تاریخی و رویایی... دیگر چه مرگت شده؟ چه‌چیز دیگری می‌خواهی...؟!» برای مردی که در نگاه اول به غایت ترسناک و مهیب به‌چشم می‌آید، معذرت خواستن از انسان‌های مختلف یک واکنش غیرقابل پیش‌بینی بود. پس از هجرت نومیدکننده‌اش از اولدترافورد تنها یک بار و آن هم زمانی که به سلتیک ملحق شده بود در برابر خبرنگاران در کنفرانس خبری ظاهر شد. اما با این حال بسیاری از رویدادها و حوادثی که علیه او در منچستر به وقوع پیوست ناگفته باقی ماند. وقتی او زندگینامه‌اش را منتشر ساخت سیمای حیرت‌انگیزی از خود پیش روی خوانندگان خود گذاشت. «وقتی به فوتبال فکر می‌کنم و یا به مسابقه‌ای می‌شتابم، گویی که می‌خواهم به جبهه جنگ بشتابم. به همان استواری و جدیت... من بازیکن یکی از برترین تیم‌های تاریخ دنیا بوده‌ام. برایم موفقیت و پیروزی آن هم به هر قیمت و شیوه ممکن حیاتی‌ترین نیاز بود. رویکرد من به فوتبال چنین است. فوتبال برای من به مثابه یک جنگ است. چنین تلقی‌ای را می‌پذیرم که دیگر بسان روزهای پرشور بازیگری‌ام نمی‌توانم و نمی‌خواهم رفتارهای خام و احساسی‌ام را تکرار کنم. اما اگر مشاهده کنم که در جایی، اتفاقی ناگوار و نامنصفانه در حال وقوع است، کوتاهی نمی‌کنم و از آن چشم‌پوشی نخواهم کرد. اما باید بگویم که دیگر برخوردهایم آن تندی و شدت گذشته را به خود نخواهد گرفت. با آرامش بیشتری به این امور خواهم پرداخت. من به تصویری که از خود در زمان حضور در یونایتد و تیم ملی ایرلند ارائه کردم، کمکی نکردم. شاید من یک دیوانه و یا مجنون فوتبال باشم. «بیمار روحی» شاید خیلی حق مطلب را ادا نکند. باز هم می‌گویم که فوتبال برای من تمام زندگی است. خیلی معنا دارد. وقتی که به تمریناتمان در یونایتد می‌رفتم، در حال رانندگی، گویی ماشین مرا از قالب رفتاری به‌گونه‌ای معجزه‌آسا به قالبی دیگر بدل می‌ساخت. فوتبال را به مثابه یک شغل و کار جدی که برایم از نظر معنا حیاتی است می‌نگریستم و می‌نگرم. وقتی به باشگاه می‌رفتم و یا هنگامی که خود را برای مقابله با حریفان آماده می‌کردم انگار که می‌خواستم به جنگ بروم. «از او سئوال می‌کنم، منظورت این نیست که می‌خواهی بار دیگر به چمن فوتبال بازگردی؟» پاسخ می‌دهد: «دیگر به سراغ کفش‌هایم نخواهم رفت.»

منبع: **ایندیپندنت**

خبر

امروز در فوتبال جهان

دوستانه، ساعت ۱۸/۳۰: آرژانتین - برزیل

مقدماتی جام ملت‌های آسیا: عربستان - ژاپن

اسکوربورد

دوستانه: دانمارک ۴ - پرتغال ۲

نگاه

آرژانتین - برزیل

پنجه در پنجه

ترجمه سیدمحمد حسینی

تیم ملی فوتبال آرژانتینی که آلفیو بازیله سرمربی آن بود، شش بار به مصاف تیم ملی فوتبال برزیل رفت که حاصل آنها یک برد، یک باخت و چهار تساوی بوده است. این یکی از آن بازی‌هایی است که می‌تواند در استادیوم‌های مونومنتال، ماراکانا یا هر کدام از دیگر ورزشگاه‌های این کره خاکی اتفاق بیفتد، اما این‌بار در لندن و خیلی دورتر از ریوپلاتا و سواحل برزیل است. امروز استادیوم امارات تیم آرسنال در اختیار این دو تیم قرار می‌گیرد و هیجان این بازی در عالم فوتبال و فوتبال‌دوستان بی‌نظیر خواهد بود. امیلیو بالدوندو، لئو نیداس، روبرتو تلک، ریولینو، ارمینیو ماسانتونیو، سیسینیو، توکو مدرس، گارینشا، دانیل پاسارلا، زیکو، کلودیو کانیگیا، رونالدو، باتیستوتا و ریوالدو به همراه دیه‌گو مارادونا و پله هم در این استادیوم حضور خواهند داشت تا از نزدیک شاهد این بازی باشند. دنیایی از حرف و حدیث، حاشیه، بازی‌های استثنایی، حرکات انفرادی خیره‌کننده، ناداوری و همه‌گونه مسائل فوتبال در لابه‌لای دقایق هر کدام از ۹۰ بازی انجام شده این دو رقیب قدیمی وجود دارد و حدود ۲۴ ساعت دیگر، یکی از همین بازی‌ها، بسیاری از علاقه‌مندان این دو تیم را دوباره مسحور خود خواهد کرد، بازی‌ای که از لحاظ حیثیتی یک جنگ تمام‌عیار است. این دیدار به عنوان اولین بازی آرژانتین با سرمربیگری جدید آلفیو بازیله و دومین بازی برزیل با کارلوس دونگا به عنوان سرمربی آن است. باید دانست از آنجایی که همیشه، به هر صورت این بازی یک برنده داشته، حتی با وجود تساوی رسمی، اهمیت و فشار روانی ناشی از آن در این یکی هم گریبانگیر هر دو طرف است. می‌گویند هیچ‌وقت در یک بازی سنتی، هیچ‌کدام از طرفین مساوی از زمین خارج نمی‌شوند، به خصوص وقتی که چشم‌های بینندگان در اقصی نقاط عالم به آن باشد. به بیان دیگر، این بازی حتماً یک برنده خواهد داشت. حتی اگر رسماً به تساوی بکشد، کسی از کنار این دیدار نمی‌تواند بی‌تفاوت رد شود و هر کدام از دو طرف برزیلی و آرژانتینی، در غروب امروز لندن برتری خود را جست‌وجو خواهد کرد. اولین بازی این دو تیم به سال ۱۹۱۴ بازمی‌گردد که آرژانتینی‌ها در این سال، در پایتخت خود، با سه گل از حریف پذیرایی کردند و جالب است که بعد از ۹۰ بازی و ۹۲ سالی که از آن موقع می‌گذرد، هر دو تیم از لحاظ آماری برابرند: ۳۴ برد، ۳۴ باخت و ۲۲ مساوی و تنها با این تفاوت که طرف آرژانتینی ۱۴۸ گل و طرف برزیلی ۱۴۰ گل به ثمر رسانده است. آخرین بازی آنها هم در تاریخ ۲۹ ژوئن ۲۰۰۵ در جام کنفدراسیون‌ها بود که برزیل با چهار گل زده در مقابل یک گل خورده، نفس تیم پکرمن را در یک‌چهارم نهایی گرفت. بازیله که دومین دوره حضور خود را در این سمت تجربه می‌کند و اولین بار بین سال‌های ۱۹۹۴ - ۱۹۹۱ سرمربی سفیدآبی‌پوشان بوده نیز آمار درخورتوجهی کسب کرده است. نتایج کسب شده او هم مثل خود تاریخ بازی‌های دو تیم فقط تساوی در تعداد برد و باخت و تساوی بوده است: ۱ برد، ۴ تساوی و یک باخت. چهار تا از این شش بازی دوستانه بوده و دو تای باقی مانده یکی در کوپا آمه‌ریکای سال ۱۹۹۱ و دیگری در همین جام ولی در سال ۱۹۹۳ رخ داده‌اند. در هر دو جام آرژانتین قهرمان شد و البته در سر راه رسیدن به این عنوان از سد سبز و زردپوشان گذشت. این دو بازی که باعث خوشنامی بیشتر بازیله شد، بر رکورد ۳۳ بازی بدون شکست آرژانتین افزود. خود بازیله در مصاحبه‌ای که در سال ۲۰۰۰ از او به عمل آمد، در پاسخ به سئوالی که در مورد احساسش از این بازی کلاسیک شد، گفت: «بازی در لباس آرژانتین و جلوی برزیل، یعنی همه چیز. تمام آن چیزی است که می‌شود آرزویش را داشت. این ال‌کلاسیکوی خودمان است. فرصتی است مغتنم برای چیره شدن بر یک تیم قدر. در حقیقت مهم‌ترین واقعه‌ای است که می‌تواند در زندگی‌ات رخ دهد چون وقتی این دو تیم جلوی هم صف‌آرایی می‌کنند هر دو می‌دانند که بهترینند و فقط برد می‌خواهند و صد البته انگیزه همه چه بازیکنان و چه اعضای کادر فنی دو برابر است.» وقتی حرف‌ها و صحبت‌های دیگر افراد درگیر این مسابقه را ورق می‌زنیم، ابراز احساسات آرام‌تر و فنی‌تر می‌شود: «بازیکنان قبل از ورود به زمین خوب از اهمیت بازی آگاهند و نیازی نیست کسی آنها را از این حیث توجیه کند. در جلسه فنی صرفاً صحبت از تاکتیک‌های موردی می‌شود، چون فوتبالیست‌ها در این سطح دیگر فهم خیلی بالایی دارند. نتایج مسابقات هم تقریباً یکسان است، یک بار تو می‌بری و بار دیگر آنها.» هیچ‌وقت کسی پیش نمی‌افتد اما این بار به حکم ضرورت یکی از تساوی‌های این ۹۰ بازی به هم خواهد خورد و چه‌بسا ال‌کلاسیکو یک برنده داشته باشد.

منبع: **AS**